

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: اندرو کوریکو*
ویراستاری و ارسال: نسرين معروفی
۱۷ سپتمبر ۲۰۲۳

روسیه و کوریای شمالی و تعادل جیواستراتژی.



توافق نظامی ادعایی روسیه و کوریای شمالی، مربوط به تعادل جیواستراتژیک است

بسیاری از ناظران معتقدند که روسیه و کوریای شمالی به دلیل تهدید مشترک غرب، تصمیم گرفته‌اند روابط نظامی خود را تقویت کنند. گزارش‌ها حاکی از آن است که آنها در حال بررسی یک مبادله هستند که در آن روسیه فناوری‌های مافوق صوت، هسته‌ای، ماهواره‌ای و زیردریایی را با کوریای شمالی در ازای مهمات و توپخانه دوران شوروی به اشتراک بگذارند. بخش اول این معامله، در خدمت خنثی سازی مثلث در حال ظهور امریکا، کوریای جنوبی و جاپان است و آن را متعادل می‌کند، در حالی که بخش دوم، عملیات ویژه روسیه را تا سال آینده حفظ می‌کند. احتمالاً در این ارزیابی مقدار زیادی حقیقت وجود دارد، زیرا منطقی است که دو کشور یکدیگر را در برابر دشمنان مشترک خود در جنگ سرد جدید حمایت کنند، اما چیزهای بیشتری در پشت آن وجود دارد. البته باید به این نکته توجه داشت که بدون پشتیبانی کوریای شمالی با سلاح‌های دوران اتحاد شوروی هم روسیه در مسابقه لجستیکی یا جنگ فرسایشی خود با ناتو که در پشت حملۀ سرکوب شده کیف قرار دارد دستت برتر را دارد و روسیه هنوز هم به طور چشمگیر در برابر کل ناتو مقاومت می‌کند.

این امر ثابت می کند که مجتمع نظامی-صنعتی روسیه (MIK) نیازهای خود را در حال حاضر و در آینده نیز برآورده می کند. این سؤال مطرح می شود که چرا روسیه اساساً یک توافق نظامی با کوریای شمالی را در نظر می گیرد، چه رسد به یک توافق یکجانبه.

یک توضیح قابل قبول این است که MIK روسیه در این سناریو ممکن است در انجام تعهدات نظامی-فنی خود نسبت به اشخاص ثالث با مشکل مواجه شود، بنابراین نیاز به خرید کالاهای ساده تر وجود دارد تا کارخانه های تولیدی روسیه دست از تولید کالاهای نظامی ساده برداشته و به تولید کالاهای با کیفیت تر و پیشرفته تر بپردازند تا بتوانند صادرات با ارزش بالاتر را در اولویت قرار دهند.

اما حتی اگر اینطور باشد، باز هم این سؤال بی پاسخ می ماند که چرا روسیه آماده است تا این فناوری نظامی بالقوه بسیار با کیفیت خود را با کوریای شمالی به اشتراک بگذارد، آنهم به جای این که در برابر آن پول خوبی دریافت کند. و چرا مسکو نمی تواند یا نمی خواهد آن را با چین معامله کند. همینطور می توان پرسید که چرا کوریای شمالی نمی تواند فناوری نظامی مذکور را از چین دریافت کند و باید از روسیه به عنوان بخشی از مبادله گزارش شده درخواست کند.

پاسخ به این سه سؤال به مخالفت چین با قطع کامل پل ها با غرب و همچنین منافع مشترک روسیه و کوریای شمالی در جلوگیری از وابستگی بالقوه نامتناسب به جمهوری خلق مربوط می شود. بیائید با اولین ترفند شروع کنیم: رئیس جمهور شی اگر چه تصور دارد که چین رهبری ایجاد نهادهای جهانی جایگزین را بر عهده دارد – همانطور که تصمیم او برای غیبت از اجلاس G20 در دهلی نو در آخر هفته گذشته به وضوح نشان داد – اما او ترجیح می دهد که این یک فرآیند روان باشد.

هر برش و انقطاع ناگهانی، اقتصاد جهانی را بی ثبات می کند و در نتیجه رشد صادرات محوری کشورش را مختل می کند. اما ایالات متحده می تواند این سناریو را به عنوان واکنش به تسلیح گسترده روسیه و/یا انتقال فناوری نظامی پیشرفته به کوریای شمالی توسط چین، به فروش برساند و تبلیغ کند. به همین دلیل، رئیس جمهور شی احتمالاً با هیچ یک از این دو توافق موافقت نخواهد کرد، مگر این که به شدت مورد نیاز باشند تا از شکست در برابر غرب جلوگیری کنند. اما از آنجائی که این خطر وجود ندارد، چین از ترس عواقب آن به این به خطر تن نخواهد داد.

در مورد دومین بخش این تعادل، حتی اگر رئیس جمهور شی به روسیه و کوریای شمالی پیشنهاد کند که نیازهای نظامی آنها را برآورده کند، آنها احتمالاً ترجیح می دهند به یک دیگر تکیه کنند تا به چین، تا از وابستگی بیش از حد به جمهوری خلق چین جلوگیری کنند. هر دو کشور چین را یکی از مهم ترین شرکای ستراتیژیک در جهان می دانند، اما هر دو احساس ناراحتی می کنند که وارد رابطه ای شوند که در آن بیجینگ نقش بیش از حد بزرگی در تضمین امنیت ملی آنها داشته باشد.

از دیدگاه روسیه، این یک قاعده کلی است که هرگز نباید خود را به یک شریک خاص بیش از حد وابسته کرد، زیرا چنین روابطی می تواند حاکمیت سیاست خارجی کرملین را محدود کند، حتی اگر شریک هیچ قصد شرورانه ای نداشته باشد. در زمینه چین، چنین روابطی می تواند منجر به این شود که برخی از سیاستمداران روسی که کمتر علاقه مند به حفظ تعادل روابط کشورشان بین چین و هند باشند دست بالا را پیدا کنند، که این منجر به ترجیح ناخودآگاه بیجینگ به دهلی نو می شود و موجب نزدیک شدن هند به واشنگتن می گردد و در نتیجه تعادل باز هم دچار اشکال می گردد.

اگر این اتفاق بیفتد، گذار سیستمی جهانی به چندقطبی دوباره به سمت دوقطبی (یا به عبارت بهتر بی قطبی) باز خواهد گشت، زیرا روسیه توسعه ابرقدرت چین را تسریع می کند و هند به ایالات متحده کمک می کند تا هژمونی رو به زوال خود را حفظ کند. نتیجه این خواهد بود که تنها این دو ابرقدرت از حاکمیت واقعی برخوردار خواهند بود، در حالی که

حاکمیت همه کشورهای دیگر به شدت توسط پویائی طبیعی رقابت آنها محدود خواهد شد. روسیه البته می خواهد از این سناریو به هر قیمتی اجتناب کند.

خلاف منافع جهانی روسیه، منافع کوریای شمالی صرفاً ملی است، اما آنها با منافع مسکو مکمل یک دیگر هستند. پیونگ یانگ از زمان پایان جنگ سرد قدیمی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به طور نامتناسبی به چین وابسته بود. اما چین بعداً از این رابطه برای گسترش روابط با غرب استفاده کرد، با تصویب تحریم های شورای امنیت سازمان ملل علیه کوریای شمالی. روسیه نیز به دلایل مشابه همین کار را کرد، اما کوریای شمالی به روسیه وابسته نبود، بنابراین پیونگ یانگ به اندازه بیجینگ از تصمیم مسکو رنج نمی برد.

رشد بی اعتمادی به چین، کیم جونگ اون را وادار کرد تا پیشنهاد نهائی و ناموفق ترمپ برای خلع سلاح هسته ئی را به طور جدی بررسی کند تا روابط کشورش را با جمهوری خلق چین متعادل کند. به همین دلیل، میانمار نیز با نزدیک شدن به ایالات متحده تحت ریاست جمهوری اوباما موافقت کرد که در نهایت نیز شکست خورد. هر دو کشور وابستگی بیش از حد خود به چین را مضر می دیدند و بنابراین سعی کردند با تغییر وزن روابط با ایالات متحده، این کمبود را جبران کنند.

از آنجائی که بعد از شکست ترمپ در امریکا، این اقدامات تعادل سازی دیگر قابل دوام نیستند، هر دو کشور اکنون به روسیه نگاه می کنند تا همان نقش را ایفا کند و وابستگی بیش از حد خود را به چین کاهش دهد.

از دیدگاه پیونگ یانگ، حتی اگر بیجینگ یک فناوری را در اختیار آنها بگذارد، ممکن است روزی به دلیل توافقاتی با ایالات متحده، جریان آن قطع شود. چین احتمالاً به هر حال در نظر نخواهد گرفت که این فناوری را به کوریای شمالی بدهد، زیرا این امر ممکن است کار را برای بیجینگ دشوار کند که از نفوذ خود در پیونگ یانگ در چارچوب توافق با واشنگتن مجدداً استفاده کند و این احتمالاً محدودیتی برای حاکمیت سیاست خارجی چین خواهد بود.

احتمال این که روسیه در آینده نزدیک توافقی بزرگ با ایالات متحده امضاء کند، پس از رویدادهای ۱۸ ماه گذشته تقریباً صفر است، بنابراین کوریای شمالی در روسیه شریک نظامی بلندمدت بسیار قابل اعتمادتری می بیند.

اقدامات مکمل روسیه و کوریای شمالی برای تعادل سازی در سطح جهانی و ملی خود در برابر چین، همراه با عدم تمایل چین به قطع کامل همه پل های ارتباطی با غرب در حالی که این کشور سعی می کند نهادهای جایگزینی برای مقابله با سلطه امریکا در جهان ایجاد کند در واقع نیروهای واقعی پشت توافق نظامی بین روسیه و جمهوری دموکراتیک خلق کوریا می باشد.

این بینش استراتژیک بزرگ به ما امکان می دهد تا وضعیت واقعی روابط بین این کشورها را بهتر درک کنیم و بنابراین به ناظران عینی کمک می کند تا در آینده تحلیل های دقیق تری ارائه دهند.

* - اندی کوریپکو، یک کارشناس ارشد علوم سیاسی امریکائی ساکن در مسکو است که در زمینه استراتژی ایالات متحده در افریقا و اوراسیا، ابتکار کمر بند و راه چین، تعادل جیوپلیتیک روسیه و جنگ های ترکیبی تخصص دارد.